

تعیین محصولات خاص کشاورزی ایران جهت فرآیند الحاق به WTO و سیاستگذاری‌های داخلی

عبدالکریم اسماعیلی*، مهدی شعبان زاده^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۶

چکیده

هر کشوری تلاش می‌نماید تا مهم‌ترین محصولات خود را با توجه به اقتضات اقتصاد داخلی و اثرات مختلف بر شاخص‌هایی نظیر امنیت غذایی، معیشتی و توسعه روستای در فهرست کالاهای خاص خود بگنجاند. محدودیت چنین فهرست‌هایی باعث شده است تا کشورها ضمن اولویت‌بندی نمودن شاخص‌های تعیین شده اقدام به انتخاب مهم‌ترین و اثرگذارترین محصولات خود نمایند. در این مطالعه با توجه به اینکه عمده معیارهای برگزیده مبتنی بر موافقتنامه‌های تجاری عموماً با توجه به شرایط کشور طرف مذاکره انتخاب می‌گردند، تلاش شده است تا با اولویت‌بندی معیارهای سازگار با شرایط کشور از قبیل میزان اشتغال، سطح زیر کشت، میزان تولید، سهم در کالری مصرفی، تجارت و ارزآوری، کالاهای خاص کشاورزی تعیین گردد. داده‌های مورد استفاده متوسط شاخص‌های پنج ساله (۹۰-۱۳۸۶) و مدل مورد استفاده رتبه‌بندی و تحلیل سلسه مراتبی AHP بوده است. نتایج نشان داد که گندم (آرد گندم)، برنج، شیر، روغن و گوشت به‌عنوان خاص‌ترین محصول از این حیث شناسایی شدند. رتبه‌بندی محصولات کشاورزی می‌تواند علاوه بر کاربرد در جریان مذاکرات تجاری و تعیین تعرفه وارداتی در سیاست‌گذاری‌های داخلی از قبیل قیمت گذاری و حمایت مورد استفاده قرار گیرد.

طبقه‌بندی *JEL*: F14, F13, F02

واژه‌های کلیدی: سازمان جهانی تجارت، محصولات خاص کشاورزی، امنیت غذایی، امنیت معیشتی، مذاکرات تجاری، ایران.

۱- به ترتیب استاد اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز و دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی دانشگاه تهران.

* نویسنده‌ی مسئول مقاله: esmaeili@shirazu.ac.ir

پیشگفتار

چارچوب موافقتنامه سازمان تجارت جهانی مورد پذیرش در اگوست ۲۰۰۴ اعضای این سازمان را به کاهش قابل ملاحظه در حمایت‌های داخلی اخلاص آور، توقف و حذف همه یارانه های صادراتی و تقویت قابل ملاحظه در دسترسی به بازار متعهد کرد. نکته کلیدی در زمینه دسترسی به بازار توافق بر سر فرمولی است که کاهش های تعرفه ای بر اساس آن صورت گیرد. در حالی که کشورهای در حال توسعه امکان انعطاف در به کارگیری فرمول های کاهش را برای تولیدات خاص و همچنین استفاده از اقدامات حفاظتی خاص برای محافظت در مقابل هجوم واردات و افت شدید قیمت های داخلی را دارند. اما در مورد این کالاهای خاص ممکن است کشورها نیازمند مذاکره باشند و همچنین این کالاها مشمول تقویت قابل ملاحظه در دسترسی به بازار هستند و این مهم توسط افزایش سهمیه های تعرفه ای میسر است (چین و همکاران، ۲۰۰۸).

در مذاکرات دور دوحه که در سال ۲۰۰۱ شروع شد، مقرر شده بود بر اساس سال پایه ۲۰۰۸/۲۰۰۹ اجرای تعهدات در سال ۲۰۰۹/۲۰۱۰ شروع و در دوره زمانی ۵ ساله در سال ۲۰۱۳/۲۰۱۴ پایان یابد. تکنیک های ارائه شده از طرف گروه های مختلف در این دور از مذاکرات تماما تکنیک های وابسته به سطح اولیه تعرفه ها و در قالب فرمول طبقه ای بودند. در این روش سطوح تعرفه ای هر کشور در قالب طبقات مختلف دسته بندی می شود و با توجه به رتبه طبقه مربوطه درصدهای مختلف کاهش بر آنها به گونه ای اعمال می گردد که طبقات دارای نرخ تعرفه زیادتر نرخ های کاهش بیشتری را متحمل گردند.

در بحث دسترسی به بازار در دور توسعه ای دوحه هدف اساسی «بهبود قابل ملاحظه در دسترسی به بازار» مد نظر بوده و می باشد. بحث دسترسی به بازار بخش کلیدی و در عین حال مشکل ترین بخش مذاکرات کشاورزی است. تخمین های بانک جهانی نشان می دهد که ۹۳٪ مزایای دور دوحه از مذاکرات دسترسی به بازار حاصل می گردد که این میزان در مقابل رقم ۵٪ برای حمایت های داخلی و ۲٪ برای یارانه های صادراتی رقم بسیار قابل توجهی است (یانگ و همکاران ۲۰۱۱).

کالاهای حساس و خاص به طور جداگانه و از نظر تاریخی با اختلاف زمانی در مذاکرات تجارت بین المللی مطرح شده اند. بحث در مورد کالاهای حساس از نظر تاریخی قدیمی تر بوده و به ادوار مذاکراتی گات بر می گردد. در مذاکرات دور اروگوئه اغلب کالاهای حساس با سهمیه مقداری و یا تعرفه بالا مشمول حمایت بیشتر قرار گرفتند. همه کشورها مجاز به تهیه فهرست کالاهای حساس هستند و چنین کالاهای محدود به بخش خاصی نیستند. با این وجود هنوز ملاک و معیار مشخصی برای تعیین چنین کالاهایی وجود ندارد. ضمن اینکه از منظر تاریخی و به صورت طبیعی به واسطه ویژگی های خاص محصولات کشاورزی و تولید کنندگان این بخش، بیشتر کالاهای حساس به

سمت تولیدات این بخش متمایل شده‌اند.

اولین متن رسمی در مورد کالاهای حساس و خاص در بسته موافقتنامه ژوئیه ۲۰۰۴ به رسمیت شناخته شد. بر مبنای این پیش‌نویس این کالاها از تعهدات کاهشی فرمول عمومی کاهش تعرفه معاف بوده و تخفیف‌هایی دریافت خواهند کرد. اگرچه در خصوص فرمول کاهش تعرفه‌ها (فرمول طبقه‌ای) توافق جمعی حاصل شده است، اما در مورد تعیین طبقات تعرفه سطوح کاهش و درصد مجاز کالاهای حساس و خاص و سطوح برخورداری آنها از تخفیف هنوز توافقی حاصل نشده است. در خصوص کالاهای خاص وضعیت با کالاهای حساس متفاوت است. در آخرین پیش‌نویس کمیته کشاورزی (دسامبر ۲۰۰۸) در پاراگراف ۱۲۹ به کشورهای در حال توسعه اجازه داده شده است تا ۱۲٪ خطوط تعرفه‌ای خود را به‌عنوان محصولات خاص بر اساس شاخص‌های امنیت غذایی، امنیت معیشتی و توسعه روستایی انتخاب کنند. کشورهای تازه ملحق شده به سازمان جهانی تجارت بر اساس پاراگراف ۱۳۱ مجازند که ۱۳٪ خطوط تعرفه‌ای خود را به‌عنوان کالاهای خاص انتخاب نمایند.

برخلاف کالاهای حساس که تعیین آنها به کشورها واگذار شده و سازمان جهانی تجارت معیار خاصی را برای تهیه فهرست این گونه کالاها تعیین نکرده است، در بحث کالاهای خاص در زمینه معیارها و شاخص‌های انتخاب این قبیل کالاها موضع‌گیری شده است. لذا ضرورت دارد که هر کشور با توجه به اهمیت نسبی هر یک از این شاخص‌ها در ابتدا اقدام به اولویت‌بندی آنها نموده و در ادامه بر اساس شاخص‌های اولویت‌بندی شده اقدام به تعیین لیست کالاهای خاص خود نماید. بدیهی است نحوه اولویت‌بندی شاخص‌ها بر ترکیب و نوع کالاهای خاص انتخابی اثرگذار بوده و ضرورت دارد تا در اولویت‌بندی شاخص‌ها و تعیین سهم برای آنها دقت شود. در مورد کشور ما اگرچه گروه کالاهایی تحت حمایت از نظر قیمتی و نهادهای وجود دارد، اما به‌طور ویژه مطالعاتی در زمینه کالاهای خاص صورت گرفته که در ادامه آورده شده است.

اگرچه کالاهای حساس و خاص بطور مترداف مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما از نظر تعریفی می‌توان بیان نمود که کالاهای حساس بیشتر به بخش صنعت مربوط بوده و از طرف کشورهای توسعه یافته در جریان مذاکرات تجاری مطرح شده است. اما کالاهای خاص از طرف کشورهای در حال توسعه و در مباحث اخیر تجاری و برای کالاهای کشاورزی طرح گردیده و تکیه آن بر امنیت غذایی و معیشت روستایی در کشورهای در حال توسعه است (جین و همکاران، ۲۰۰۸).

بررسی مطالعات گذشته نشان می‌دهد که پژوهش‌های معدودی در زمینه تعیین کالاهای خاص انجام گرفته است. برنال و همکاران (۲۰۰۵) روشی را برای شناسایی کالاهای خاص تحت مکانیزم مطمئن برای کشورهای در حال توسعه ارائه نمودند. آنها شاخص‌هایی از قبیل سطح درآمدی،

جغرافیایی، ظرفیت تولیدی را برای محصولات خاص در نظر گرفته و مورد تحلیل قرار دادند. موسسه بین المللی تجارت و توسعه پایدار (۲۰۰۷) شاخص های تعیین کالاهای خاص کشاورزی را در قالب چهار گروه شاخص شامل امنیت غذایی، امنیت معیشتی، توسعه روستایی و دامنه تجاری تعیین نمود. چین و همکاران (۲۰۰۸) با استفاده از تابع رفاه به انتخاب کالاهای حساس کشاورزی در اروپا اقدام نمودند. عمالن (۲۰۰۶) با استفاده از شاخص رقابت پذیری که نسبتی از قیمت داخلی و خارجی هر کالا است چارچوبی برای تعیین کالاهای خاص کشاورزی تعیین نمود. لیستورتی و همکاران (۲۰۱۱) به ارزیابی معیارهای مختلف انتخاب کالاهای حساس اقدام نمود. آنها معیارهایی مثل جریان های تجاری، قیمت داخلی و ارزش افزوده کشاورزی را مورد بررسی قرار دادند. آنها همچنین با استفاده از مدل اثر کاهش تعرفه (TRIMAG) به ارزیابی ارزش افزوده کالاهای کشاورزی در صورت افزایش خطوط تعرفه ای برای کالاهای حساس اقدام نمودند. گوئل و همکاران (۲۰۱۱) به ارزیابی تاثیر لحاظ کالاهای حساس در مدل تجاری بین ژاپن و اتحادیه اروپا اقدام نمودند. آنها نتیجه گرفتند که لحاظ کالاهای حساس موجب کاهش منابع حاصل از توافقات تجاری در بین کشورهای مذکور می گردد. یانگ و همکاران (۲۰۱۱) به ارزیابی تاثیر توافق دور دوحه در مورد کالاهای خاص کشاورزی در جهان و چین پرداختند. آنها با مرتبط نمودن مدل تجارت جهانی به مدل تجاری کشور چین نتیجه گرفتند که با لحاظ کالاهای خاص کشاورزی در مبادلات تجاری، استفاده از منابع در جهان بیشتر می شود. آنها همچنین نتیجه گرفتند که منفعت کشاورزان مناطق روستایی نیز ناشی از سیاست لحاظ کالاهای خاص اندک می باشد اگر چه بعضی از کشاورزان در بعضی از مناطق چین منافی نیز بدست می آورند.

کاکاوند قلعه نویی و ثاقب (۱۳۸۶) با استفاده از اطلاعات آماری موجود به کمک کدهای شش رقمی HS و شاخص هایی مانند تعرفه، ارزش صادرات و واردات، شاخص تخصص در صادرات و تخصص در واردات، اشتغال و ارزش افزوده کالاهای حساس تجاری ایران را تعیین نمودند.

فاضل (۱۳۸۶) در یک مطالعه توصیفی موضوع کالاهای حساس و خاص کشاورزی در مذاکرات تجاری بین المللی را مورد بررسی قرار داد. فاضل (۱۳۸۷) به ارزیابی کالاهای حساس، خاص و استراتژیک کشور اقدام نمود. وی در مجموع نتیجه گرفت که در بخش کشاورزی محصولات چوب گندم (انواع مختلف)، جو، برنج، ذرت، میوه (مرکبات، سیب، انگور، خرما، پسته، بادام، گردو و ۴) آب میوه، چای، دانه های روغنی، گوشت قرمز و سفید، نیشکر و چغندر قند، قند، شکر، عسل، کره و پنیر، شیر، سیر، پیاز، سیب زمینی، گوجه فرنگی، نخود و لوبیا، پنبه، پشم، کرک، روده، پوست و چرم، روغن های نباتی و حیوانی را جز کالاهای خاص کشور می باشند. در مورد کالاهای صنعتی نیز کالاهایی مثل کفش، خودرو، پوشاک و منسوجات، کاشی و سرامیک، پتو، دارو، پوست و محصولات

چرمی، برخی مواد دارویی و شیمیایی، دستگاه‌های تلفنی و قطعات منفصله خودرو را در گروه کالاهای خاص صنعتی تعیین نمود.

هدف از انجام مطالعه حاضر نگاهی دقیق‌تر به کالاهای خاص کشاورزی ایران با استفاده از متدلوژی و تکنیک مناسب و به‌روزتر می‌باشد.

مواد و روش‌ها

در این مطالعه تلاش شده است تا به‌جای روش‌های مرسوم تعیین کالاهای خاص (شمارش تعداد شاخص‌های اختصاص یافته به هر محصول)، با اختصاص رتبه به هر محصول با توجه به شاخص مربوطه اقدام به شناسایی کالاهای خاص گردد. به‌عنوان نمونه برای شاخص سطح زیر کشت رتبه یک به محصولی که بیشترین سطح زیر کشت را داشته است، اختصاص یافته است. برای سایر محصولات نیز براساس سطح زیر کشت در بعدی قرار گرفتند. برای سایر محصولات و شاخص‌ها نیز به این ترتیب عمل شده است. آنگاه به‌منظور تعیین رتبه کلی هر محصول با توجه به کلیه شاخص‌ها اقدام به میانگین‌گیری از رتبه‌های اختصاص یافته به هر محصول بر اساس تعداد شاخص‌های رتبه‌دار شده است.

در روش مرسوم با شمارش تعداد شاخص‌های علامت‌دار (از قبیل سطح زیر کشت، میزان میزان تولید و اشتغال) محصولات، اقدام به شناسایی کالاهای خاص می‌شود. بدیهی است که در این روش امکان اولویت‌بندی صحیح کالاهای خاص میسر نیست. به‌عنوان نمونه چنانچه محصولی از نظر سطح زیر کشت در جایگاه نخست در بین کل محصولات قرار گیرد و لذا شاخص مربوط به نسبت سطح زیر کشت برای این محصول علامت‌دار شود، با محصولی که در جایگاه پنجم قرار گرفته و شاخص ذکر شده برای آن علامت‌دار شده یکسان در نظر گرفته می‌شود. بدیهی است در این روش چنانچه محصولی که در شاخص مورد اشاره در جایگاه پنجم قرار گرفته، حداقل در یک شاخص بیش از محصولی که در جایگاه نخست قرار گرفته علامت‌دار شود؛ از نظر اولویت‌بندی در جایگاه بالاتری قرار می‌گیرد. به‌عبارت دیگر در روش مرسوم تنها تعداد شاخص‌های علامت‌دار محصولات در تعیین جایگاه کالای خاص اهمیت دارد و وزن محصولات در هر یک از شاخص‌ها نادیده انگاشته می‌شود. بدیهی است عدم توجه به وزن محصولات در هر شاخص منجر به اولویت‌بندی نامناسب محصولات خاص می‌گردد و در شرایطی که محدودیت انتخاب پدیدار شود امکان تصمیم‌گیری صحیح از تصمیم‌سازان سلب می‌گردد.

در مطالعه حاضر، همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد در مجموع برای تعیین معیار امنیت غذایی ۱۱ شاخص در نظر گرفته شده است. برای تعیین معیار امنیت معیشتی ۱۲ شاخص و برای معیار توسعه روستایی نیز ۳ شاخص تعریف شده است. ضمن آن که معیار ابعاد تجاری نیز به معیارهای

در نظر گرفته شده توسط سازمان جهانی تجارت افزوده شده است. اما همانگونه که مشاهده می‌شود، در بین شاخص‌های تعیین شده برای معیار امنیت غذایی کمی‌سازی برخی شاخص‌ها (قوانین و مقررات ملی که محصولات عمده غذایی یا سبذ غذایی مواد اساسی را مبتنی بر ترجیحات یا شرایط محلی مشخص می‌کند) مشکل می‌باشد ضمن آن که برخی شاخص‌ها نیز (نظیر شاخص‌های در نظر گرفته شده برای تعیین میزان خودکفایی) همپوشانی بسیار بالایی دارند. بدیهی است نتایج این دو شاخص بسیار نزدیک به هم خواهد بود.

در بین شاخص‌های انتخابی برای تعیین معیار امنیت معیشتی نیز همپوشانی وجود دارد. به عنوان نمونه، نسبت زمین کشت شده محصول به کل زمین‌های تحت کشت در سطح ملی یا منطقه‌ای و مزارع تحت کشت محصول به کل مزارع که در واقع برای تعیین محصولات خاص منطقه‌ای به همراه محصولات کشوری لحاظ شده‌اند. در صورت استفاده هم زمان در جدول با همپوشانی بالایی مواجه هستند. همچنین شاخص‌های لحاظ شده برای تعیین هجوم واردات جایگزین نیز همبستگی و همپوشانی بالایی دارند. در مورد شاخص‌های توسعه روستایی نیز همپوشانی زیادی بین شاخص‌ها وجود دارد. لذا در این مطالعه برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر از میان شاخص‌های دارای درجه همبستگی و همپوشانی بالا تنها از یکی از شاخص‌ها استفاده شده است. داده‌های مورد استفاده متوسط شاخص‌های پنج ساله (۹۰-۱۳۸۶) و مدل مورد استفاده رتبه بندی ساده و تحلیل سلسله مراتبی AHP بوده است. نکته مهمی که در بحث اولویت‌بندی مطرح است تعیین وزن برای معیارهای امنیت غذایی، امنیت معیشتی و توسعه روستایی است. اما با توجه به این که در این مطالعه از روش میانگین رتبه‌های اختصاص یافته به هر محصول برای تعیین کالای حساس استفاده می‌شود، لذا تعداد شاخص‌های در نظر گرفته شده برای هر محصول به نوعی وزن معیار مربوطه را تعیین می‌کند. به عنوان مثال امنیت غذایی از شش شاخص و توسعه روستایی از دو شاخص تشکیل شده است در این صورت اهمیت شاخص امنیت غذایی سه برابر شاخص توسعه روستایی است. این روش وزن دهی قابل انتقاد بوده لذا برای رفع این مشکل در همراه با رتبه بندی ساده از روش AHP نیز استفاده شده است. روش AHP براساس مقایسه‌های زوجی یا دو به دو به دویی معیارهای تصمیم بنا شده است. در این مطالعه با استفاده از تکمیل ۳۴ پرسشنامه دیدگاه کارشناسان و محققین اقتصاد کشاورزی برای درجه بندی دو به دو اولویت‌های مطرح شده مورد سنجش قرار گرفته و سپس با استفاده از نرم افزارهای *Supper Decisions* , *Topsis* اهمیت هر شاخص تعیین گردید.

با توجه به محدودیت آمار و اطلاعات در تحقیق حاضر برای معیار امنیت غذایی ۶ شاخص، برای تعیین معیار امنیت معیشتی ۶ شاخص و برای معیار توسعه روستایی ۲ شاخص در نظر گرفته شده

است. اگرچه در میان معیارهای مطرح امنیت غذایی در برنامه‌های توسعه مورد تاکید بیشتری است اما با توجه به شاخص‌های اختصاص یافته به هر یک از این معیارها و روش استفاده شده در این مطالعه برای تعیین کالاهای خاص (میانگین‌گیری از رتبه‌های اختصاصی محصولات) از وزندهی مجدد به معیارهای کلی پرهیز شده است.

در این بخش از طرح با توجه به مباحث مطرح در بخش قبل اقدام به تعیین و اولویت‌بندی کالاهای حساس و خاص و در نهایت تعیین فهرستی از کالاهای حساس و خاص بخش کشاورزی شده است.

فرآیند انتخاب کالاها و درجه اولویت معیارها و شاخص‌های مختلف از جمله مسائل بسیار مهم در تعیین کالاهای خاص می‌باشد. در واقع هر کشوری در تعیین کالاهای خاص علاوه بر در نظر گرفتن معیارهای مطرح شده لازم است موارد مهم دیگری نظیر استراتژی‌ها و برنامه‌های ملی را نیز در نظر بگیرد. همچنین ضرورت دارد اثرات تعیین چنین کالاهایی بر اقتصاد ملی مورد بررسی قرار گیرد و درجه صحت انتخاب چنین کالاهایی در جریان مذاکرات مختلف مورد بررسی قرار گرفته و در صورت لزوم اقدام به اصلاح انتخاب‌ها شود. از سوی دیگر سه معیار کلی (امنیت غذایی، امنیت معیشتی و توسعه روستایی) در سطح کلی و شاخص‌های منبعث از آنها باید وزندهی شده تا بتوان بر پایه آنها اقدام به تعیین کالای خاص نمود. بدیهی است وزندهی معیارها و شاخص‌ها کاملاً به شرایط کشور و محصول مورد نظر بستگی دارد.

به‌عنوان نمونه مرکز بین‌المللی توسعه تجارت در اولویت‌بندی شاخص‌های کلی برای شاخص امنیت غذایی وزن ۳۵ درصدی، برای شاخص‌های امنیت معیشتی و توسعه روستایی بر روی هم وزن ۵۵ درصدی و برای سایر معیارها نیز وزن ۱۰ درصدی لحاظ نموده است.

آنچه که مهم است این است که در یک فرآیند کلی تعیین کالاهای حساس در نگاه اول استراتژی‌های توسعه که برآیند نظرات تصمیم‌سازان تجاری و غیر تجاری دولتی و ذینفعان غیردولتی است، باید مد نظر قرار گیرد. مرحله بعدی فرآیند انتخاب کالاهای خاص، ارزیابی آثار آزادسازی بر این کالاها است. بعد از انتخاب چنین کالاهایی ضرورت دارد صحت انتخاب در جریان مذاکرات تجاری آزمون شده و با توجه به انعطاف‌های موجود و در صورت امکان اصلاحات لازم در موافقتنامه فهرست کالاهای خاص اصلی تهیه گردد و با توجه به فهرست تهیه شده اصلاحات و بهبود لازم در استراتژی توسعه پایدار ملی را تدارک دید.

در این مطالعه تلاش شده است با توجه به مطالعات سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد به همراه مرکز بین‌المللی تجارت و توسعه پایدار (جدول ۱) فهرست جامعی از شاخص‌های انتخاب کالاهای خاص برای کشور در نظر گرفته شود.

نتایج و بحث

به منظور تعیین کالاهای خاص بخش کشاورزی با توجه به معیارها و شاخص‌های مطرح سازمان جهانی تجارت و مطالعات مختلف و با توجه به مشکلات و محدودیت‌های آماری اقدام به تعیین شاخص‌های کالاهای خاص کشاورزی شده است. در صورتی که محصولی با توجه به شاخص‌های کلان و کشوری در اولویت انتخاب به‌عنوان کالایی خاص قرار نمی‌گیرد، اما سهم قابل ملاحظه‌ای در اقتصاد کشاورزی دارد، به‌عنوان یک محصول خاص انتخاب شده است.

در ادامه ضمن ارائه شاخص‌های در نظر گرفته شده در این مطالعه برای تعیین کالاهای خاص توضیح مختصری در زمینه هر شاخص و نحوه محاسبه آن ارائه شده است

۱- معیار امنیت غذایی: معیار امنیت غذایی مهمترین معیاری است که اکثر کشورها به‌عنوان سنجش انتخاب کالاها به‌عنوان یک کالای خاص انتخاب می‌کنند. امنیت غذایی معیاری است که دارای اثرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در سطح کل جامعه بوده و تمامی دولت‌ها توجه به آن را مد نظر دارند. بدیهی است امنیت غذایی دسترسی و دستیابی به مواد غذایی سالم به‌طور مستمر برای کلیه آحاد جامعه را شامل می‌گردد. در این مطالعه از شاخص‌های کالری سرانه، مصرف سرانه، خودکفایی، نسبت هزینه مصرفی، ضریب تغییرات تولید و ضریب تغییرات مصرف برای تعیین معیار امنیت غذایی استفاده شده است.

۱-۱ سهم در کالری مصرفی: هر محصولی که سهمی عمده در کالری سرانه یک جامعه داشته باشد از حیث معیار امنیت غذایی برای جامعه محصولی مهم و اساسی به‌شمار می‌رود. چرا که هر گونه تغییر در شرایط این محصول چه از حیث دسترسی و چه از حیث دستیابی امنیت غذایی را با مشکل روبرو می‌کند. لذا در این مطالعه با توجه به ترازنامه غذایی کشور تلاش شده است سهم محصولات مختلف در امنیت غذایی کشور از حیث کالری سرانه محاسبه و رتبه‌بندی شود. مقادیر خام و سهم هر محصول از کل کالری مصرفی هر فرد بدلیل تعداد زیاد جداول گزارش نشده است. اعداد جداول نشان دهنده رتبه محصول مورد نظر در کالری مصرفی هر ایرانی می‌باشد. به‌عنوان مثال سهم گندم در کالری مصرفی ۳۷ درصد بوده که بیشتر از سایر محصولات است و رتبه یک را به خود اختصاص داده است. نتایج مطالعه نشان داد که گندم، روغن و برنج بترتیب بیشترین سهم در کالری مصرفی جامعه دارند.

۱-۲- سرانه مصرف: اگرچه شاخص سرانه انرژی مصرفی به خوبی قابلیت تعیین اهمیت یک کالا را از حیث تغذیه دارد، اما میزان مصرف کالاها نیز بدون توجه به میزان انرژی تولیدی آن‌ها معیار دیگری است که به نوعی بیانگر ترجیحات مصرفی جامعه و تمایل مصرف کنندگان در زمینه مصرف کالاهای مختلف می‌باشد. ضمن اینکه شاخص سرانه انرژی تنها میزان کالری دریافتی افراد جامعه

از یک کالا را نشان می‌دهد و بیان‌گر میزان دریافت ویتامین‌ها و عناصر غذایی مطلوب و غیره را نشان نمی‌دهد. بدیهی است تامین سایر عناصر غذایی از طریق مصرف مواد غذایی مختلف تامین شده و کالایی که سهم بالایی در مصرف دارد بدون توجه به میزان انرژی تولیدی آن، اثر قابل ملاحظه‌ای بر تامین عناصر غذایی مطلوب خواهد داشت. همان‌گونه که اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد، گندم، شیر، برنج، گوجه‌فرنگی و ... به‌عنوان کالاهای خاص از نظر شاخص سرانه مصرف انتخاب شده‌اند.

۳-۱- خودکفایی: شاخص خودکفایی ناظر به درصد تامین نیاز مصرفی یک محصول در داخل کشور بوده و در واقع میزان دسترسی به یک محصول را در شرایط سخت (نظیر جنگ و تحریم غذایی) نشان می‌دهد. این شاخص از طریق نسبت تولید داخلی به مصرف قابل محاسبه است. نتایج مطالعه نشان داد که کشور ما کمترین خودکفایی را در سویا، موز و روغن دارد. مثلاً عدد ۲۰ برای گندم و عدد ۶ برای برنج نشان می‌دهد که در بین محصولات مورد بررسی برنج ششمین رتبه را در وابستگی به خارج و گندم رتبه بیستم در وابستگی دارد. لذا در شرایط تحریم و جنگ کشور از نظر برنج لطمه پذیرتر می‌باشد.

۴-۱- نسبت مخارج مصرفی: این شاخص به صورت توأم با دسترسی و دستیابی به امنیت غذایی در ارتباط است و کالایی که سهم عمده‌ای از سبد هزینه‌ای داشته باشد یا سهم بالایی در مصرف داشته، یا قیمت بسیار بالایی دارد و یا در بردارنده هر دو ویژگی است و لذا اثر زیادی بر امنیت غذایی خواهد داشت. گوشت قرمز، برنج و شیر بیشترین نقش را در شاخص اخیر دارند.

۵-۱- ضریب تغییرات تولید: شاخص دیگری که بر سطح دسترسی یک محصول غذایی اثرگذار است، ضریب تغییرات تولید می‌باشد. بدیهی است نوسانات شدید در تولید یک محصول امنیت غذایی را با مخاطره روبرو می‌کند. چنین محصولی نیازمند توجه بیشتر است. در رابطه با این شاخص نیز گوشت قرمز، پرتقال و نارنگی بیشترین تغییرات تولید را داشته‌اند.

۶-۱- ضریب تغییرات قیمت: این شاخص با شاخص دستیابی به مواد غذایی در ارتباط بوده و نوسانات شدید آن دستیابی و در اختیار گرفتن مواد غذایی توسط افراد و خانوارها را با مشکل روبرو می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که بیشترین تغییرات قیمتی در چغندر قند، پرتقال و نخود وجود داشته است.

۲- معیار امنیت معیشتی

معیار امنیت معیشتی اثرات تولید یک محصول بر اقتصاد خانوارهای روستایی را اندازه‌گیری می‌کند و از حیث فراگیری در درجه دوم اهمیت بعد از معیار فراگیر امنیت غذایی قرار می‌گیرد. لذا محصولی که سهم قابل توجهی در اشتغال و درآمد روستایی داشته باشد، از شاخص امنیت

معیشتی یک کالاهای خاص و نیازمند حمایت بیشتر است. در این مطالعه از شاخص‌های سهم در اشتغال، نسبت سطح زیر کشت، درآمدزایی، قیمت تولیدکننده، ارزآوری و تهدید وارداتی برای سنجش امنیت معیشتی کالاهای مختلف استفاده شده است.

۱-۲ سهم در اشتغال

سهم هر محصول در میزان اشتغال اثر مستقیمی بر میزان درآمد خانوارها و امنیت معیشتی آن‌ها دارد. در این مطالعه سهم محصولات زراعی و باغی در میزان اشتغال کل حاصل از تولید این محصولات بررسی شده است. اما با توجه به دراختیار نبودن آمار اشتغال صنعت دامپروری به تفکیک محصولات، محاسبه این شاخص برای محصولات دامی و لبنی امکان‌پذیر نبوده است. البته ذکر این نکته ضروری است که میزان اشتغال در هکتار محصولات با میزان اشتغال کل حاصل از محصولات مختلف متفاوت بوده اما در این مطالعه اشتغال کل محصولات ملاک عمل بوده است. به عبارت دیگر محصولی مانند گندم که بیشترین سهم در اشتغال را دارد به واسطه سطح زیر کشت بالای این محصول می‌باشد، در حالی که اشتغال در هکتار آن چندان زیاد نیست. در واقع الگوی کشت رایج کشور اثرات زیادی بر شاخص‌هایی که با سطح زیر کشت در ارتباط هستند دارد. نتایج مطالعه نشان داد که گندم، برنج و جو بیشترین سهم در اشتغال کشاورزی داشته‌اند.

۲-۲ سطح زمین‌های زیر کشت: این شاخص نیز با توجه به اثرش بر سایر شاخص‌ها نظیر اشتغال، درآمد، تولید و ... شاخص مهمی از حیث معیشت روستائیان می‌باشد. با توجه به اینکه امکان محاسبه چنین شاخصی برای تولیدات دامی و لبنی وجود ندارد و محاسبه شاخص‌های جایگزین نظیر تعداد دامی خاص به کل دام‌ها امکان مقایسه را از بین می‌برد. از محاسبه این شاخص برای تولیدات دامی و لبنی اجتناب شده است. نتایج مطالعه نشان داد که گندم، جو و برنج بترتیب بیشترین سهم را در سطح زمین‌های زیر کشت دارند.

۳-۲ درآمدزایی: شاخص درآمدزایی که از رابطه نسبت سود ناخالص هر محصول به کل سود ناخالص محصولات محاسبه شده است شاخص دیگری است که فارغ از سطح زیر کشت و میزان تولید محصولات، میزان سودآوری محصولات مختلف را نشان می‌دهد و اثر مستقیمی بر درآمد خانوارها و معیشت آن‌ها دارد. نتایج مطالعه نشان داد که پیاز، گوجه فرنگی و سیب زمینی بیشترین سهم در درآمدزایی کشاورزی داشته‌اند.

۴-۲ قیمت تولیدکننده: این شاخص نیز بر خورداری تولیدکنندگان از کل قیمت محصول را نشان می‌دهد و در واقع بیان‌گر سهمی از ارزش تولید یک محصول است که به تولیدکنندگان می‌رسد و لذا بر درآمد و معیشت تولیدکنندگان موثر است. در رابطه با این شاخص نیز پسته، گوشت قرمز و گوشت مرغ بیشترین قیمت تولیدکننده را داشته‌اند.

۵-۲ ارزش‌آوری: نظر به محدودیت‌های بازاری و ویژگی‌های خاص محصولات کشاورزی هر محصولی که از قدرت بازاری و رقابتی بیشتری برخوردار باشد، توانمندی بیشتری در تامین درآمد خانوارها دارد. لذا در این مطالعه از شاخص میزان ارزش‌آوری محصولات به عنوان یک شاخص تعیین کننده در اثرگذاری محصولات بر معیشت تولیدکنندگان استفاده شده است. نتایج مطالعه نشان داد که پسته، روغن و خرما بیشترین سهم را در ارزش‌آوری داشته اند.

۶-۲ شاخص تهدید وارداتی: ثبات اقتصادی یک محصول تا حد زیادی بستگی به قدرت رقابتی و پایداری آن در مقابل واردات دارد. بدیهی است واردات گسترده قادر است تولید داخلی یک محصول را تهدید نموده و در نتیجه کسب درآمد از طریق محصول مربوطه را با مشکل روبرو نماید. لذا در این مطالعه از شاخص میانگین واردات محصولات مختلف در ۱۰ ساله اخیر به عنوان شاخص تهدید وارداتی استفاده شده است. در رابطه با این شاخص نیز گندم، برنج و ذرت بیشترین تهدید وارداتی را داشته اند.

۳- معیار توسعه روستایی: روستاها به عنوان بستر فرهنگ و تمدن و تاریخ هر ملتی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. ضمن این که بستر تولید کشاورزی بوده و تامین غذای جمعیت در حال رشد شهری را بر عهده دارند. از سویی روستا تولید خدمات غیر بازاری نموده و محیطی فرح بخش در اختیار جمعیت شهرنشین قرار می‌دهد. لذا به دلایل برشمرده و سایر دلایلی که در اینجا ذکر نشده‌اند حفظ و توسعه محیط روستا به خودی خود یک هدف ارزشمند برای هر کشوری است. با توجه به این که بسیاری از معیارهای توسعه روستایی غیر کمی بوده و یا ارتباط آماری با تولیدات کشاورزی ندارند. در این مطالعه تنها از دو شاخص نسبت سهم هر محصول از کل درآمد روستایی و سهم هر محصول از کل درآمد ثابت کشاورزی استفاده شده است.

با استفاده از آمار کلان کشوری و استفاده از معیارها و شاخص‌های مذکور ۳۰ محصول کشاورزی به عنوان محصولات خاص بخش کشاورزی شناسایی شدند. اما محصولی مانند زعفران با استفاده از شاخص‌های استفاده شده در لیست کالاهای خاص قرار نگرفت. جدول ۳ فهرست رتبه بندی شده محصولات خاص کشاورزی ایران را نشان می‌دهد.

با توجه به لیست و رتبه‌بندی کالاها در جدول ۲ لیست کالاهای خاص در جدول ۳ رتبه بندی شده است. لذا با توجه به مستندات موجود در زمینه تعداد مجاز کالاهای خاص برای کشور در حال توسعه جدیدالحاق، ایران می‌تواند حدود ۲۰ درصد خطوط تعرفه‌ای خود را به‌عنوان کالای خاص انتخاب نماید (یانگ و همکاران ۲۰۱۱). لازم به یادآوری است که هر چه کشوری توسعه یافته‌تر باشد، محدودیت بیشتری برای در نظر گرفتن معافیت خطوط تعرفه دارد.

همانطور که در قسمت روش تحقیق اشاره شد، روش وزن‌دهی قابل ساده و میانگین‌گیری قابل

انتقاد بوده و لذا برای رفع این مشکل همراه با فوق از روش AHP نیز استفاده شده است. روش AHP براساس مقایسه های زوجی یا دو به دویی معیارهای تصمیم بنا شده است. نتایج روش اخیر در جدول ۴ آورده شده است.

نتایج حاصل از رتبه بندی محصولات در دو روش فوق الذکر در بعضی از کالاها متفاوت می باشد. اگرچه در مجموع از روند مشابهی پیروی می نماید. به عنوان مثال در روش وزن دهی ساده و میانگین گیری شیر در رتبه ششم ولی در روش AHP شیر در رتبه بالاتری از اهمیت (رتبه سوم) قرار گرفته است.

همان گونه که اطلاعات جداول ۳ و ۴ نشان می دهد، ۳۹ محصول انتخابی به عنوان کالاهای خاص، ۱۲۴ کد تعرفه ای ۶ رقمی را شامل می شوند که این تعداد حدود ۱۸ درصد کل خطوط تعرفه ۶ رقمی محصولات شمول موافقتنامه سازمان جهانی تجارت می باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

با توجه به ایراداتی که بر روش های فوق الذکر ارائه شده توسط مرکز بین المللی توسعه تجارت وارد است، در این مطالعه تلاش شده است وضعیت شاخص ها تا آنجا که محدودیت آماری اجازه می دهد در سطح ملی مورد بررسی قرار گیرد و همچنین شاخص های مختلف با توجه به اهمیت نسبی آنها وزن دهی شوند.

همان گونه که اطلاعات جداول ۲ و ۳ نشان می دهد، گندم (آرد گندم) با سهم حدود ۳۷ درصدی در سرانه انرژی مصرفی به عنوان خاص ترین محصول از این حیث شناسایی شده است. روغن نباتی (سویا) با سهم حدود ۱۴ درصدی، برنج با سهم ۹/۵ درصدی، شکر با سهم ۸/۷ و شیر با سهم ۴/۵ درصدی در رتبه های بعدی قرار دارند. اولویت بندی مطالعه حاضر در بعضی موارد با انتظارات و دیدگاه های اولیه در زمینه اهمیت کالاهای مختلف در کشور متفاوت است. به عنوان نمونه طبق جداول ۲ و ۳ گوشت گاو اگرچه سهم عمده ای در سرانه مصرفی خانوارها داشته و تغییرات در تولید و قیمت آن بر رفاه خانواده ها اثرگذار است.

اولویت بندی کالاهای خاص کشاورزی می تواند راهنمای مناسبی در انجام مذاکرات احتمالی کشور برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی باشد. طبعاً تعیین استراتژی مناسب تجاری بدون وجود اطلاع رسانی کافی از دیدگاه های خاص کشاورزی کشور میسر نخواهد بود. لذا توصیه می شود که سطوح تعرفه ای کالاهای کم اهمیت قبل از فرآیند الحاق بالا گرفته شود تا در جریان مذاکرات (حداقل در کوتاه مدت) و پس از پیوستن تعهدات، مقدار تعرفه این کالاها دچار کاهش شدید نشده و از زیان به تولید و اشتغال کشور جلوگیری به عمل آید.

سیاس‌گذاری

این مقاله قسمتی از طرح پژوهشی تحت عنوان "تعیین چارچوب مذاکرات تعرفه‌ای برای محصولات حساس و خاص کشاورزی" موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی گروه پژوهشی تجارت و بازاریابی خارجی می‌باشد. لذا بر خود لازم می‌دانیم از معاونت پژوهشی این موسسه قدردانی نماییم.



فهرست منابع

۱. فاضل(۱۳۸۶)، مروری بر موضوع کالاهای حساس و خاص در مذاکرات تجاری بین المللی، فصلنامه پژوهش های تجارت جهانی، شماره ۶ و ۷، ص ۷۰-۴۵.
۲. فاضل(۱۳۸۷)، نگاهی به موضوع کالاهای حساس، خاص و استراتژیک در ایران، فصلنامه پژوهش های تجارت جهانی، شماره ۱۲ و ۱۳، ص ۳۹-۹.
۳. کاکاوند قلعه‌نویی، ف. و ح. ثاقب. ۱۳۸۷. ارائه روشی برای تعیین کالاهای حساس تجاری ایران در موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای: مطالعه مورد موافقتنامه اکوتا. فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی. ۴۷: ۸۱-۴۷.
4. Bernal L E. 2005. Methodology for the Identification of Special Products (SP) and Products for Eligibility under the Special Safeguard Mechanism (SSM) by Developing Countries. International Centre for Trade and Sustainable Development (ICTSD)
5. Emalene M. B. 2006. A Framework for the Identification of Special Products within the WHO: A Closer Look at Four Commodities in Barbados Proceeding of the 26th West Indies Agricultural Economics Conference (Caribbean Agro-Economics Society) CAES 26th West Indies Agricultural Economic Conference, Puerto Rico, July 2006 pp.65-74
6. Gouel C., Mitaritonna C. and Ramos M. P. 2011. Sensitive products in the Doha negotiations: The case of European and Japanese market access .Economic Modeling. 28: 2395° 2403.
7. International Center for Trade and Sustainable Development. 2007. Indicators for the Selection of Agricultural Special Products: Some Empirical Evidence. FAO. July 2007. Rome.
8. Jean S., Laborde D. and Martin W. 2008. Choosing sensitive agricultural products in trade negotiations. International Food Policy Research Institute (IFPRI) Discussion paper 00788.
9. Listorti G., Kempen M., Girardin J. and Kränzlein T. 2011. Evaluating existing policy flexibilities in WTO agricultural negotiations: different criteria for the selection of sensitive products Paper prepared for the 122nd EAAE Seminar Ancona, February 17-18.
10. Yang J., Huang J. Rozelle S. and Martin W. 2012. Where is the balance? Implications of adopting special products and sensitive

products in Doha negotiations for world and China s agriculture.
China Economics Review. 23: 651-664.



پیوست‌ها

جدول ۱- شاخص‌های سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد، مرکز بین‌المللی تجارت

و توسعه پایدار برای تعیین کالاهای خاص (۲۰۰۷)

معیار	شاخص	واحد سنجش
اهمیت غذایی	سهم در تغذیه	۱- نسبت کالری سرانه محصول به کل کالری سرانه ۲- سهم محصول از مصرف ملی یا محلی ۳- قوانین و مقررات ملی که محصولات عمده غذایی یا سبب غذایی مواد اساسی را مبتنی بر ترجیحات یا شرایط محلی مشخص می‌کند.
	خودکفایی	۱- نسبت کل محصول تولید شده به کل محصول مصرف شده ۲- نسبت کل محصول وارد شده به کل محصول مصرف شده
	ثبات در دستیابی به محصول	۱- نسبت انحراف معیار به ضریب تغییرات تولید و قیمت محصول ۲- درجه انتقال قیمت (از بازار جهانی به داخل) ۳- تغییر درآمد (صادراتی) به موجب فعالیت مرتبط با محصول ۴- سهم خانوار از کل درآمد به دست آمده از فعالیت‌های مرتبط با محصول ۵- جایگاه مصرف داخلی در مقایسه با صادرات جهانی یا بررسی این که بخش قابل ملاحظه‌ای از صادرات جهانی محصول به صادرکنندگان بزرگ تعلق داشته باشد.
	هزینه مصرفی محصول	سهم هزینه انجام شده روی محصول در سطح ملی یا منطقه‌ای
	سطوح اشتغال	۱- سهم اشتغال محصول از کل نیروی کار کشاورزی یا روستایی در سطح ملی یا منطقه‌ای ۲- سهم اشتغال نیروی کار در صنعت محصولی معین از کل نیروی کار کشوری یا کشاورزی ۳- کل نیروی کار به کار گرفته شده در بخشی خاص در سطح ملی یا منطقه‌ای ۴- تقاضای اشتغال در بخش خاصی (محصول خاص) از کشاورزی
اهمیت معیشتی	درآمد حاصل از محصول	۱- سهم درآمد حاصل از محصول در سطح ملی یا منطقه‌ای
	نسبت زمین تحت کشت محصول یا دارایی‌های مورد نظر به کل زمین‌های تحت کشت یا کل دارایی‌ها	۱- نسبت زمین کشت شده محصول به کل زمین‌های تحت کشت در سطح ملی یا منطقه‌ای ۲- مزارع تحت کشت محصول به کل مزارع ۳- نسبت تعداد دام مورد نظر به کل دام‌های کشور
	هجوم واردات جایگزین	۱- همبستگی بین واردات و تولید داخلی ۲- نرخ رشد جایگزین‌های وارداتی به نرخ رشد محصول داخلی ۳- آسیب‌پذیری نسبت به جایگزینی واردات
	اهمیت حمایت از معیشت فقرا و گروه‌های آسیب‌پذیر	۱- چه بخشی از تولیدکنندگان، در سطح منطقه یا کشور از لحاظ معیشت ضعیف هستند یا کشاورزان معیشتی هستند یا چه سهمی از تولید محصول در مناطق محروم تولید می‌شود ۲- بهره‌وری زمین کشاورز در سطح ملی و منطقه‌ای نسبت به متوسط جهانی

معیار	شاخص	واحد سنجش
توسعه روستایی	اهمیت در اقتصاد کشاورزی و روستایی	۱- سهم فعالیت اقتصادی محصول در کل تولید کشاورزی روستایی ۲- بخش بزرگی از کل تولید داخلی در سطح منطقه ای یا ملی از مزارع کوچک (کمتر از ۱۰ هکتار) یا مزارعی که از متوسط اندازه مزارع کشور کوچکتر است تولید می شود.
	رشد محصول و رشد روستا	نسبت نرخ رشد محصول به نرخ رشد منطقه روستایی
	ارزش افزوده بالقوه محصول در داخل	۱- ظرفیت بالقوه ایجاد ارزش افزوده و ارتباطات حاصل از محصول ۲- سهم فرآوری محصول در داخل به متوسط جهانی
	درآمد تعرفه ای	درآمد تعرفه ای که از طریق محصول حاصل می شود.
ابعاد تجاری	جایگزین ها	حدی که محصولات وارداتی جایگزین می توانند جانشین محصول شوند.
	رقابت غیر منصفانه	حدی که محصول داخلی باید با محصولات حمایت شده کشورهای صادرکننده رقابت نماید.
	سطح فعلی حمایت	ارزیابی سطح تعرفه ها و اقدامات دیگر که هم اکنون برای هر محصول خاص موجود است و نحوه ای که این موارد ممکن است در مذاکرات بین المللی تاثیر پذیرد.
	آسیب پذیری نسبت به واردات جایگزین	ارزیابی حدی که تولید داخلی می تواند در مقابل واردات ارزان قیمت مقاومت نماید.



جدول ۲- لیست کالاهای خاص بخش کشاورزی بر اساس رتبه بندی ساده

نام محصول	امنیت غذایی					امنیت معیشتی					توسعه روستایی		
	سهام در مصرف	خودکفایی	نسبت مخارج مصرفی	ضریب تغییرات تولید	ضریب تغییرات قیمت	سهام اشتغال	سهام زمینهای تحت کشت	درآمد زایی	قیمت تولید کننده	ارزآوری	جایگزینی واردات	سهام از کل درآمد روستاییان	سهام در درآمد ناخالص ثابت
گندم	۱	۲۰	۵	۹	۶	۱	۱	۲۲	۲۰	۸	۱	۱	6.93
برنج	۳	۶	۲	۱۸	۲۱	۲	۳	۹	۷	۳۹	۲	۸	9
روغن سویا	۲	۲۴	۷	۲۷	۲۷					۲	۴		9.86
گوشت مرغ	۱۷	۲۱	۴	۸	۱۲				۴	۱۷	۲	۳	10.5
سیب زمینی	۶	۱۶	۱۶	۲۲	۱۰	۵	۷	۳	۲۳	۱۰	۱۶	۷	11.21
شیر	۵	۲	۳	۲۲	۱۷				۱۶	۳۱	۲۴	۲	12.55
چغندر قند	۴	۵		۲	۲	۱۰	۱۲	۱۵	۲۷	۳۵	۱۲	۱۸	13.42
پرتقال	۱۰	۱۴	۱۳	۲۳	۲	۱۷	۲۲	۱۵	۱۵	۱۸	۱۴	۱۱	13.46
گوشت کاو	۲۲	۱۰	۱	۲۴	۱۱				۲	۴۰	۲۰	۴	14
پسته	۱۵	۲۸	۳۲	۴	۲۰	۱۲	۱۶	۱	۱	۱	۳۰	۶	14
گوجه فرنگی	۱۶	۴	۲۸	۹	۲۵	۴	۸	۲	۲۵	۱۶	۲۵	۱۲	14.14
سیب	۱۱	۹	۲۵	۱۲	۷	۱۹	۲۰	۱۴	۱۴	۶	۴۵	۵	15.08
تخم مرغ	۱۲	۱۹	۱۸	۱۳	۲۲				۵	۱۳	۲۷	۹	15.36
ذرت	۲۳	۳۰	۴	۱۳	۱۸	۷	۵	۱۳	۲۲	۳۲	۳	۱۷	15.77
نخود	۹	۲۷	۱۱	۱۹	۳	۶	۴	۲۶	۸	۳۴	۲۱	۲۵	15.79
نارنگی	۱۰	۲۳	۱۴	۱۶	۲	۲۳	۱۶	۱۳	۱۳	۲۵	۱۴	۱۵	16.18
پیاز	۲۱	۱۵	۲۶	۲۰	۹	۱۴	۱۸	۱	۲۴	۱۵	۲۲	۱۲	16.64
قند و شکر	۴	۱۱	۲۷	۱۴	۱۴				۱	۳۷	۱۲		17
لوبیا	۱۴	۲۶	۱۰	۲۲	۱۶	۱۳	۱۳	۱۲	۶	۲۷	۱۵	۲۱	17.07
هندوانه	۲۲	۱۴	۲۴	۱۵	۱۷	۱۱	۱۰	۶	۲۶	۱۴	۲۸	۱۶	17.15

ادامه جدول ۲- لیست کالاهای خاص بخش کشاورزی به ترتیب اولویت

نام محصول	امنیت غذایی							امنیت معیشتی				میانگین رتبه	
	سهام در مصرفی	سهام در مصرف	خودکفایی	نسبت مخارج مصرفی	ضریب تغییرات تولید	ضریب تغییرات قیمت	سهام اشتغال	سهام زمینهای تحت کشت	درآمد زایی	قیمت تولید کننده	ارزآوری		جایگزینی واردات
	سهام در کارری مصرفی	سهام در مصرف	خودکفایی	نسبت مخارج مصرفی	ضریب تغییرات تولید	ضریب تغییرات قیمت	سهام اشتغال	سهام زمینهای تحت کشت	درآمد زایی	قیمت تولید کننده	ارزآوری	جایگزینی واردات	توسعه روستایی
خرما	۱۸	۳۱	۲۱	۲۱	۲۱	۱۳	۲۰	۱۹	۱۰	۴	۲۳	۱۷	۱۰
جو	۲۴	۳۳	۱۳	۱۶	۱۶	۱۵	۳	۲	۲۷	۲۱	۳۸	۶	۱۴
انگور	۱۰	۲۹	۲۹	۱۱	۱۹	۲۴	۱۶	۱۷	۱۷	۱۷	۱۹	۲۹	۴
نیشکر	۴	۵	۵			۱۴				۲۸	۳۶	۱۲	۲۱
گردو	۸	۲۱	۱۹	۱۸	۱۷	۱۹	۲۳	۲۱	۳	۳	۲۴	۲۶	۱۶
سویا	۲۷	۳۴	۱		۲		۲۱	۱۴	۲۵	۱۲	۲۸	۵	۲۲
کره	۷	۲۹	۹	۲۳		۲۳				۳۰	۳۰	۸	۱۸.۴۳
موز	۲۰	۲۶	۲						۱۱	۳۹	۱۱	۱۰	۲۳
چای	۲۵	۳۲	۳۰	۲۴	۱۳	۲۶	۲۴	۲۵	۱۹	۱۲	۷	۲۸	۲۲.۰۸
آفتابگردان	۲۶	۳۵	۷					۱۸	۹	۳۳	۱۹	۲۹	۲۲.۲۲

جدول ۳- فهرست رتبه بندی شده محصولات حساس و خاص کشاورزی ایران

رتبه	محصول	رتبه	محصول	رتبه	محصول
۱	گندم	۱۴	ذرت	۲۷	کره
۲	برنج	۱۵	نخود	۲۸	موز
۳	روغن سویا	۱۶	نارنگی	۲۹	چای
۴	گوشت مرغ	۱۷	پیاز	۳۰	آفتابگردان
۵	سیب زمینی	۱۸	قند و شکر	۳۱	پنبه
۶	شیر	۱۹	لوبیا	۳۲	ابریشم
۷	چغندر قند	۲۰	هندوانه	۳۳	انجیر
۸	پرتقال	۲۱	خرما	۳۴	زردآلو
۹	گوشت کاو	۲۲	جو	۳۵	انار
۱۰	پسته	۲۳	انگور	۳۶	کلزا
۱۱	گوجه فرنگی	۲۴	نیشکر	۳۷	لیموترش
۱۲	سیب	۲۵	گردو	۳۸	لیموشیرین
۱۳	تخم مرغ	۲۶	سویا	۳۹	هلو

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۴- فهرست رتبه بندی شده محصولات حساس و خاص کشاورزی ایران با روش AHP

رتبه	محصول	شاخص	رتبه	محصول	شاخص	رتبه	محصول	شاخص
۱	گندم	0.737	۱۱	ذرت	0.238	۲۱	کره	0.179
۲	برنج	0.394	۱۲	نخود	0.233	۲۲	موز	0.179
۳	شیر	0.327	۱۳	نارنگی	0.229	۲۳	چای	0.171
۴	روغن سویا	0.318	۱۴	پیاز	0.225	۲۴	آفتابگردان	0.171
۵	گوشت کاو	0.313	۱۵	قند و شکر	0.221	۲۵	پنبه	0.168
۶	چغندر قند	0.291	۱۶	لوبیا	0.213	۲۶	ابریشم	0.160
۷	قند و شکر	0.260	۱۷	هندوانه	0.211	۲۷	انجیر	0.159
۸	پرتقال	0.254	۱۸	خرما	0.209	۲۸	زردآلو	0.119
۹	گوشت مرغ	0.251	۱۹	جو	0.205	۲۹	انار	0.113
۱۰	نخود	0.242	۲۰	سویا	0.182	۳۰	هلو	0.052

ماخذ: یافته‌های تحقیق

